



حمیدرضا مهدیزاده

و سرانجام جنگ آغاز شد؛ در این لحظات سخت که کشور عزیزمان ایران درگیر جنگی دوباره شده و هر صبح و شب با حملات غیرقانونی ایالات متحده و رژیم اسرائیل موج تازه‌ای از صدای انفجار و ویرانی به راه می‌افتد؛ هنوز هم باور دارم که امکانش وجود داشت تا از وقوع این جنگ خامان سوز، جلوگیری کرد؛ اما مورخان، تاریخ را بر مبنای باور ما نمی‌نویسند و ورق نمی‌زنند! روایت تاریخ با فکت‌ها صورت می‌گیرد و با روند‌ها به پیش می‌رود. خان‌ها و آقایان! لطفاً به این آخرین شماره از «میز سیاست خارجی توسعه ایرانی» در سال مصیبت‌بار ۱۴۰۴ که شاهد جنگ ۱۲ روزه و اعتراضات دی ماه بودیم و در حال حاضر هم جنگ دوباره آمریکا و رژیم اسرائیل علیه کشورمان را به نظاره نشستیم، ایمه، به گفت و گو با دکتر نیروانا مهر آیین «مدرس، پژوهشگر ارشد خاورمیانه و از اعضای کانون نویسندگان»، دکتر صلاح‌الدین هر سنی «استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل»، و دکتر رضا اختیاری «دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران»، بپیوندید.



ضمن سیاست از هر سه عزیز که در این شرایط وحشتناک روحی و روانی حاکم بر جامعه ایران و با همه رنج ناشی از نبودن اینترنت، حاضر به گفت و گو در پلتفرم داخلی به شدید، اولین سوال را مطرح می‌کنم و به رسم ادب با خانم مهر آیین شروع می‌کنیم. آقایان موافقت می‌کنند؟

بله، حتماً.

پیش‌بینی شما از اینکه جنگ تا چه زمانی طول می‌کشد و یا چه نوعی ادامه می‌یابد، چیست؟

مهر آیین: با درود خدمت مهمانان ارجمند و مخاطبان نازنین «توسعه ایرانی» از منظر حقوق بین‌الملل، تداوم جنگ میان ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران تنها در صورت تحقق دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد قابل توجیه است و هر گونه فراتر رفتن از این چارچوب، مشروعیت حقوقی مخاصمه را از بین می‌برد. در سطح سیاسی، توان بازدارندگی نامتقارن ایران، محدودیت تحمل اقتصادی و سیاسی طرف‌های مهاجم، و فشار بین‌المللی سه عامل اصلی تعیین‌کننده مدت جنگ به حساب می‌آید. تجربه جنگ‌های مشابه نشان می‌دهد، فاز فعال درگیری با همه عوامل بین چهار تا ۱۰ هفته طول می‌کشد و سپس به دورهای چندماهه از تنش‌های کم‌شدت می‌انجامد. استمرار بیش از این دوره بدون حل و فصل سیاسی، نقض مستمر قاعده منع توسل به زور به شمار می‌رود. در نتیجه، به‌رآورد علمی نشان می‌دهد جنگ با ظرف چند هفته پایان می‌یابد یا در کمتر از یک سال تحت فشار سیاسی و دیپلماتیک به آتش‌بس و مذاکره ختم خواهد شد.

باسپاس از سرکار، جناب هر سنی بفرمایید!

هر سنی: آقای مهدیزاده ممنون از دعوت دوباره و ضمن سلام به هر دو عزیز کارشناس و مرآت ادب نثار مخاطبان «توسعه ایرانی». درباره اینکه تداوم یا استمرار جنگ چگونه رقم خواهد خورد؟ چهار دیدگاه قابل‌خوشان و تفسیر است:

خوابش اول، مبتنی بر دیدگاه ترامپ و جنگ طلبان کابینه او و در راس همه آنها «جست هگزیتی» وزیر دفاع آمریکاست. اگرچه ادبیات آنها مرتب دچار چرخش‌های زیادی می‌شود و پایدار نیست، اما دیدگاه فعلی شان این است که جنگ تا حصول نتیجه یعنی فروپاشی کامل ساختارهای حکومتی ادامه یابد. این ادبیات، مسادوم از زبان ترامپ و هگزیتی تکرار و رسانه‌ای شده است. توجیه آنها بابت ادامه جنگ این است که شروع جنگ منجر به نتایج مطلوب و قدرت‌یابی ریدوگرز ایرانی نشود و مدل ونزول‌ناست‌اجرای شده

و شرایط فعلی در ادامه شرایط گذشته است. از طرف دیگر باور ترامپ و کابینه جنگ‌طلبان این است که چون به واسطه بمباران زیرساخت‌ها و مراکز تصمیم‌ساز بمباران شده است، باید کار را در فرصت به دست آمده تمام کرد و در به آخر ابرحکم تر زد.

خوابش دوم، از طرف تصمیم‌سازان و راهبر دشناسان جمهوری اسلامی ایران قابل تفسیر است.

بنابه دیدگاه‌ها این راهبر دشناسان به رغم آن که جنگ از موضع برابر نیست، ولی مقاومت بجا و هوشمند ایرانی ستار یوی تسلیم رانقش بر آب کرد. ضمن آن که ایران با اتکا به توان موشکی و استفاده هوشمندانه از آنها در حمله به اسرائیل توانست ثابت کند که می‌تواند یک تهدید موجودیتی برای اسرائیل باشد. افزون بر این ایران توانست پایگاه‌های امریکادار منطقه را دستخوش حملات موشکی شدید قرار دهد حتی توانایی خود را در بستن تنگه هرمز نشان داد. حملات به پایگاه‌های آمریکا و بستن تنگه هرمز و سقوط سه اف ۱۵ و چهار سوخت‌سان، نشان داد که ایران می‌تواند در ادامه جنگ نقش بر آب کردن مطامع آمریکای اسرائیل ایفا کند.

خوابش سوم، از سوی اسرائیل تفسیر می‌شود. اگرچه پیادست که جنگ زانتانیا هو به ترامپ فروخته اما در شرایط حاضر دیدگاه نتانیا هو البته به شرط این که زنده باشد، نیز همانند ترامپ این است که شروع جنگ منجر به نتایج مطلوب و تغییر رژیم نشد. چون پندار و انگار و نتانیا هو بر این امر استوار است که قدرت‌یابی آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای در تداوم گذشته است بنابراین برای تغییرات ماهوی به میل و مراد مقامات راست گرا و ارتدوکس تل‌آویواحتیاجناپذیر خواهد بود. ضمناً تداوم جنگ از طرف نتانیا هو قمار بری برای مشروعیت سیاسی در انتخابات آینده اسرائیل محسوب می‌شود.

و خوابش چهارم، از سوی محافل کلاسیک دنیای عرب و کشورهای مطرح می‌شود که امریکادار خاک آنها پایگاه دارد. ایران

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران: در حال حاضر تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی برخی از کشورهای برای خاتمه دادن به جنگ در حال انجام است. با این حال به نظر می‌رسد که پایان جنگ عمدتاً منوط به نیت و اراده مهاجمین یعنی رژیم اسرائیل و دولت آمریکا باشد. ایران هیچگاه خواستار جنگ نبوده است، به همین دلیل از آمادگی بیشتری برای خاتمه دادن به جنگ برخوردار است

اعلام کرده بود که در صورت شروع جنگ هیچ یک از پایگاه‌های منطقه ایمن نخواهد بود. و ایران در ابتدا با حمله به این پایگاه‌ها نشان داد که می‌تواند منطقه را ناامن کند. از منظر علت‌شناسی اقدام ایران در حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا بیشتر به این جهت بود تا برهبران عرب بتوانند ترامپ و نتانیا هو را متقاعد کنند که جنگ را به پایان رسانند. اما این خطای استراتژیک ایران باعث گشایش جبهه دیگری از جنگ شد. به واقع این خطای استراتژیک باعث شد که آنها خواهان ادامه جنگ از سوی ترامپ و نتانیا هو شوند. کشورهای بحرین، عربستان، امارات، کویت و قطر و حتی در رفتار مقامات ترکیه به صورت ضمنی ادبیاتی رسانه‌ای شده که خواهان تداوم جنگ هستند.

جناب اختیاری بفرمایید لطفاً! اختیاری: بنده هم به نوبه خود سلام خدمت عزیزان دارم و خسته نباشید به حضر تعالی. جنگ تحمیلی رژیم جمهوریخواهی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا علیه ایران به دلایل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی زیر نمی‌تواند یک جنگ بلندمدت و طولانی باشد.

جناب اختیاری بفرمایید لطفاً! اختیاری: بنده هم به نوبه خود سلام خدمت عزیزان دارم و خسته نباشید به حضر تعالی. جنگ تحمیلی رژیم جمهوریخواهی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا علیه ایران به دلایل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی زیر نمی‌تواند یک جنگ بلندمدت و طولانی باشد.

صالح‌الدین هر سنی: جدای از جدال بر سر تنگه هرمز یک سنار بومکن است آمریکا را در موضع برتر قرار دهد و آن این است که آمریکا بخواد با نبر و های جنگ ۸۲ جزیره خارک را به عنوان بمباران انرژی ایران تصرف کند. ایران همزمان با واپایش تنگه هرمز باید با اقدامات پیشگیرانه از سناریوی اقدامات ابتدایی آمریکا در جزیره خارک نیز جلوگیری کند و ترامپ را از ترس شکست به سمت یک توافق و پایان جنگ سوق دهد

بوده است. سوم، به توجیه تغییر دکتربین نظامی از دفاعی به آفندی و دنبال آن پاسخ‌ده تمندو گسترده نظامی ایران، طولانی شدن جنگ می‌تواند شرایط میدانی و موازنه را به ضرر اسرائیل تغییر دهد.

چهارم، کشورهای عرب درگیر جنگ نیز تحمل جنگ بلندمدت را ندارند.

پنجم، تبعات سیاسی-اقتصادی گسترده جنگ برای کشورهای جهان نیز مانع از طولانی شدن آن خواهد شد.

آیا شرایط اجتماعی موجود با همزمانی جنگ می‌تواند منجر به «انومیزه شدن جامعه» شود؟

مهر آیین: جنگ، به مثابه یک بحران کلان اجتماعی، با برهم زدن نظم هنجاری جامعه و ایجاد گسست عمیق بین اهداف و ابزارهای متعارف، زمینه را برای بروز پدیده «انومی» فراهم می‌آورد؛ چراکه مبانی معنایی و جهت‌گیری‌های ارزشی افراد متزلزل می‌شود. تداوم درگیری‌های نظامی، تشدید ناامنی، فروپاشی زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، نقض گسترده حقوق، به طور سیستماتیک، اعتماد به نهادها و باورهای پیشین را از بین برده و حس ناامنی و بی‌ثباتی اجتماعی را به سطوح بحرانی و تبعات ویرانگر افزایش می‌دهد.

هر سنی: واقعیت این است که شرایط اجتماعی به جهت وقایع دی‌ماه هماهنگ با حاکمیت نیست و شاهد گسست و اعتراضات غیرمنطقی، و هر از گاه بزواک و انعکاس آن شنیدیم می‌شود. هر چند که می‌بینیم این اعتراضات به جهت شرایط جنگی به سمت همبستگی و انسجام در حال شیفت کردن است. اما بهترین خطری که ممکن است منجر به ناآرامی و انومیزه شدن بیشتر شرایط باشد فراخوانی است که گروه تبهکار پهلوی برای شب چهارشنبه

در میزگرد مجازی «توسعه ایرانی» پاسخ داده شد؛

آیا می‌توان به میانجی‌ها برای پایان جنگ امید داشت؟



مهر آیین: در عرصه سیاست بین‌الملل، احتمال میانجی‌گری برای پایان دادن به جنگ ایران و آمریکا اسرائیل به شدت تحت تأثیر منافع قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای است؛ بنابراین، نقش میانجی‌ها تنها مؤثر خواهد بود که اهداف استراتژیک این بازیگران همسو باشد یا فشار کافی بر آن‌ها وارد کند. نبود

اجماع بین‌المللی یا وجود رقابت‌های قدرت‌های جهانی می‌تواند تلاش‌های دیپلماتیک را عقیم گذاشته و جنگ را به سمت فرسایش سوق دهد، جایی که هر طرف سعی در تضعیف طرف مقابل از طریق جنگی طولانی مدت دارد. وضعیت فرسایشی، پیامدهای سیاسی ناخواسته‌ای چون بی‌ثباتی منطقه‌ای، ظهور گروه‌های افراطی و تغییر موازنه قدرت را تشدید خواهد کرد. پایان جنگ احتمالاً نیازمند یک توافق سیاسی فراگیر است که منافع کلیدی بازیگران را تأمین کند و گزینه جنگ به شکلی فرسایشی ادامه یافته و منطقه را بیش از پیش بی‌ثبات خواهد کرد.

هر سنی: متأسفانه با وجود آن که برای پایمان دادن به جنگ روسیه و اوکراین و جنگ میان اسرائیل و حماس در غزه کشورهای بده‌اند که با مسامحه و جنبش و نقض میانجی‌خواهی خود تلاش داشتند که جنگ را با آتش‌بس متوقف سازند اما در جنگ جاری هیچ کشوری جهت میانجی‌گری پیش قدم نشده‌است. جلسه شورای امنیت هم به محکومیت ایران منجر شد. روسیه و چین هم بیشتر به نظر می‌رسد نظاره‌گر هستند و نگاه آنها بر اساس سنت مالوف ایزرا گرایانه است. بسیار میانه‌تاسف و حیرت است

که رای آنها در جلسه شورای امنیت طبق انتظار، نه‌و تو بلکه ممتنع بوده است. به نظر می‌رسد که روسیه از جنگ به واسطه افزایش قیمت انرژی بده و منتفع می‌شود. بنابراین ترجیح او ادامه جنگ است نه آتش‌بس.

هر سنی: واقعیت این است که شرایط بد اقتصادی پیش از جنگ موجب اعتراضات دی‌ماه شد. نیک‌پیداست که در شرایط جنگی وضعیت اقتصادی نیز نامیدکننده‌تر باشد. متأسفانه توزیع کالا برکاهم برای خانوارهای ایرانی توانست کمکی به زنده ماندن وضعیت اقتصادی کند. در مقام تمثیل می‌توانم اینگونه بگویم که توزیع کالا برکاه فقط می‌تواند موجب کاهش درد زایمان نشود اما مسلماً موجب می‌شود که نوزاد مرده دنیا آید.

امام‌محررتین تبعات این جنگ بعد از پایان آن خودرانشان می‌دهد. متأسفانه بسیاری از زیرساخت‌ها مورد حمله و هجمه قرار گرفته و اگرچه دولتین تخصصی چون آمریکا اسرائیل مایل به دادن غرامت نیستند اما تمیم و بازسازی این زیرساخت‌ها با توجه به کسری بودجه و وجود انسدادهای اقتصادی و تحریم‌های بالقوه حتی با فعل می‌تواند موجب بحران اقتصادی شود و کشور را رگ‌دوهمراه کند.

اختیاری: هر جنگی قطعاً تبعات اقتصادی خودش را به دنبال دارد. در مورد ایران، کاهش صادرات مواد نفتی و کالاهای غیرنفتی، تعطیلی خطوط هوایی، بسته‌شدن مرزهای زمینی، قطع مبادلات مالی جهانی و همچنین کاهش شدید واردات می‌تواند در بلندمدت شرایط اقتصادی کشور را دشوارتر سازد.

آیا می‌توان امید به نقض میانجی‌ها در پایان دادن به جنگ داشت یا این که جنگ وضعیت فرسایشی پدید می‌آورد؟

مهر آیین: در عرصه سیاست بین‌الملل، احتمال میانجی‌گری برای پایان دادن به جنگ ایران و آمریکا اسرائیل به شدت تحت تأثیر منافع قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای است؛ بنابراین، نقش میانجی‌ها تنها مؤثر خواهد بود که اهداف استراتژیک این بازیگران همسو باشد یا فشار کافی بر آن‌ها وارد کند. نبود

اجماع بین‌المللی یا وجود رقابت‌های قدرت‌های جهانی می‌تواند تلاش‌های دیپلماتیک را عقیم گذاشته و جنگ را به سمت فرسایش سوق دهد، جایی که هر طرف سعی در تضعیف طرف مقابل از طریق جنگی طولانی مدت دارد. وضعیت فرسایشی، پیامدهای سیاسی ناخواسته‌ای چون بی‌ثباتی منطقه‌ای، ظهور گروه‌های افراطی و تغییر موازنه قدرت را تشدید خواهد کرد. پایان جنگ احتمالاً نیازمند یک توافق سیاسی فراگیر است که منافع کلیدی بازیگران را تأمین کند و گزینه جنگ به شکلی فرسایشی ادامه یافته و منطقه را بیش از پیش بی‌ثبات خواهد کرد.

هر سنی: متأسفانه با وجود آن که برای پایمان دادن به جنگ روسیه و اوکراین و جنگ میان اسرائیل و حماس در غزه کشورهای بده‌اند که با مسامحه و جنبش و نقض میانجی‌خواهی خود تلاش داشتند که جنگ را با آتش‌بس متوقف سازند اما در جنگ جاری هیچ کشوری جهت میانجی‌گری پیش قدم نشده‌است. جلسه شورای امنیت هم به محکومیت ایران منجر شد. روسیه و چین هم بیشتر به نظر می‌رسد نظاره‌گر هستند و نگاه آنها بر اساس سنت مالوف ایزرا گرایانه است. بسیار میانه‌تاسف و حیرت است

که رای آنها در جلسه شورای امنیت طبق انتظار، نه‌و تو بلکه ممتنع بوده است. به نظر می‌رسد که روسیه از جنگ به واسطه افزایش قیمت انرژی بده و منتفع می‌شود. بنابراین ترجیح او ادامه جنگ است نه آتش‌بس.

هر سنی: واقعیت این است که شرایط بد اقتصادی پیش از جنگ موجب اعتراضات دی‌ماه شد. نیک‌پیداست که در شرایط جنگی وضعیت اقتصادی نیز نامیدکننده‌تر باشد. متأسفانه توزیع کالا برکاهم برای خانوارهای ایرانی توانست کمکی به زنده ماندن وضعیت اقتصادی کند. در مقام تمثیل می‌توانم اینگونه بگویم که توزیع کالا برکاه فقط می‌تواند موجب کاهش درد زایمان نشود اما مسلماً موجب می‌شود که نوزاد مرده دنیا آید.

امام‌محررتین تبعات این جنگ بعد از پایان آن خودرانشان می‌دهد. متأسفانه بسیاری از زیرساخت‌ها مورد حمله و هجمه قرار گرفته و اگرچه دولتین تخصصی چون آمریکا اسرائیل مایل به دادن غرامت نیستند اما تمیم و بازسازی این زیرساخت‌ها با توجه به کسری بودجه و وجود انسدادهای اقتصادی و تحریم‌های بالقوه حتی با فعل می‌تواند موجب بحران اقتصادی شود و کشور را رگ‌دوهمراه کند.

اختیاری: هر جنگی قطعاً تبعات اقتصادی خودش را به دنبال دارد. در مورد ایران، کاهش صادرات مواد نفتی و کالاهای غیرنفتی، تعطیلی خطوط هوایی، بسته‌شدن مرزهای زمینی، قطع مبادلات مالی جهانی و همچنین کاهش شدید واردات می‌تواند در بلندمدت شرایط اقتصادی کشور را دشوارتر سازد.

آیا می‌توان امید به نقض میانجی‌ها در پایان دادن به جنگ داشت یا این که جنگ وضعیت فرسایشی پدید می‌آورد؟

مدرس، پژوهشگر ارشد خاورمیانه: در عرصه سیاست بین‌الملل، احتمال میانجی‌گری برای پایان دادن به جنگ ایران و آمریکا اسرائیل، به شدت تحت تأثیر منافع قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای است؛ بنابراین، نقش میانجی‌ها تنها مؤثر خواهد بود که با اهداف استراتژیک این بازیگران همسو باشد یا فشار کافی بر آن‌ها وارد کند

به کسانی گوشزد کنم که خواهان جنگ نتانیا هو و ترامپ علیه ایران بوده‌اند. یادود جنگ نتانیا هو و ترامپ حالا به چشمشان زفته است؟ پاسخگوی خون شهدای دانش‌آموزان میناب و هزران بی‌گناه دیگر چه کسی خواهد بود وول و هزرنه تر می‌میرد ساخت‌های مخروبه قرار استاز جیب چه کسانی خرج شود؟ امیدوارم جنگ طلبان و متوسلان به ترامپ و نتانیا هو خود بیاندو بداندند که آنها امام‌زاده‌هایی هستند که کور می‌کنند اما شافعی‌اند.

اختیاری: به دلیل گستره منطقه‌ای و جهانی جنگ، در حال حاضر تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی برخی از کشورهای مانند عمان، ترکیه و روسیه برای خاتمه دادن به جنگ در حال انجام است. با این حال به نظر می‌رسد که پایان جنگ عمدتاً منوط به نیت و اراده مهاجمین یعنی رژیم اسرائیل و دولت آمریکا باشد. ایران هیچگاه خواستار جنگ نبوده است، به همین دلیل از آمادگی بیشتری برای خاتمه دادن به جنگ برخوردار است.

و آخرین پرسش، با توجه به این واقعیت که با بسته ماندن تنگه هرمز اعلام پیسروزی ترامپ جهت خروج از جنگ در واقع اعلام شکست اوست، آیا رئیس‌جمهور ایالات متحده علی‌رغم مخالفت متحدانش تا این لحظه، امکان ایجاد اجماع بین‌المللی برای باز کردن تنگه هرمز را پیدا خواهد کرد و با باز کردن تنگه هرمز ترامپ «رژیم چنج» همانطور که پیشتر مدعی شده بود، پیش خواهد رفت و یادر نهایت تنگه هرمز به عنوان «شمشیر دامو کلووس» عمل کرده و ترامپ را وادار به توافق بلندمدت تهران خواهد کرد؟

مهر آیین: بسنت تنگه هرمز، به مثابه فعال‌سازی یک اهرم استراتژیک برای ایران است که می‌تواند با افزایش چشمگیر هزینه‌های اقتصادی و نظامی جهانی، جامعه بین‌المللی را به سمت اجماع برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک سوق دهد. جامعه جهانی خصوصاً قدرت‌های اقتصادی وابسته به نفت، خواهان بازگشایی این ابراه حیاتی خواهند بود اما گزینم نظامی برای بازگشایی، با توجه به توان بازدارندگی ایران و احتمال درگیری گسترده‌تر، با مقاومت جدی مواجه خواهد شد. در نتیجه، سناریوی «شمشیر دامو کلووس» محتمل‌تر است؛ یعنی تهدید بسته ماندن تنگه ایران را در موقعیت قوی‌تری برای مذاکره بر سر توافقی بلندمدت قرار می‌دهد که ضمن تضمین منافع ملی ایران (مانند نفوذ تحریم‌ها، امنیت کشتیرانی رانیز تضمین و تنش‌های نظامی و سناریوی پر هزینه «رژیم چنج» جلوگیری کند.

هر سنی: جنگ میان ایران و ترامپ در بسته شدن تنگه هرمز لاف‌لاقی نایه ابتیجای کار به زبان ترامپ رقم خورده است. البته اجماع بین‌المللی برای باز شدن تنگه هرمز با توجه به اینکه ۲۰۰۰ صد انرژی جهان از این گلوگاه عبور می‌کند منتفی نیست چون این تنگه مختص ایران نیست و به واقع بین‌المللی است. اما مسئله این است

که ترامپ بابت توان نیروی دریایی ایران دچار خطای محاسباتی شده چون توان نیروی دریایی ایران فقط در ناودان نبود که در آب‌های سرپلکان مورد هدف از درهای دریایی آمریکا قرار گرفت. ایران توان بسته ماندن تنگه هرمز را به مثابه ابزار فشار استفاده می‌کند و از طرف دیگر با شلیک هدفمند موشک‌هایی با کلاهک‌های بارشی و خوشه‌های تهدیدات خود را به وقت ضرورت عملی می‌سازد. ضمن آن که ایران توان می‌گذارد را در مسیر کشتی‌های تجاری در این تنگه دارد و تا به این جای کار مقاومت آن هم‌قرین توفیق است. قطعاً اگر ایران بتواند به مقاومت خود ادامه دهد و نرخ انرژی هم در صورت تداوم بحران افزایش یابد، پای اجماع بین‌المللی منتفی خواهد شد و شاید همین بسته ماندن به مثابه چشم‌اسفندیار و پاشنه آشیل ترامپ را از ترس شکست در برابر مقاومت ایران به سمت یک توافق و پایان جنگ سوق دهد. البته جدای از جدال بر سر تنگه هرمز یک سناریو ممکن است آمریکا را در موضع برتر قرار دهد و آن این است که آمریکا بخواهد با نبر و های جنگ ۸۲ جزیره خارک را به عنوان بمباران انرژی ایران تصرف کند. ایران همزمان با واپایش تنگه هرمز باید با اقدامات پیشگیرانه از سناریوی اقدامات ابتدایی آمریکا در جزیره خارک نیز



جلوگیری کند و ترامپ را از ترس شکست به سمت یک توافق و پایان جنگ سوق دهد.

اختیاری: ایران دوشو شرط برای عبور از تنگه هرمز گذاشته است: نخست، کشتی‌های نیروهای متجاوز و همپیمانان آنان در جنگ حق عبور از تنگه را ندارند.

دوم، کشتی‌های ثالثی که وجهه را به یوان چین پرداخت کنند می‌توانند از تنگه عبور کنند. لذا تنگه به طور کامل بسته نیست و ایران هم هیچگاه اعلام نکرده تنگه را برای همه کشورها خواهم بست. در کوتاه مدت هم به نظر نمی‌رسد اجماع بین‌المللی علیه ایران در این زمینه شکل گیرد.

مشکلات فی‌مابین آمریکا و ایران بسیار عمیق و گسترده است. بنابراین مساله تنگه هرمز صرفاً فزنی‌تواند زمینه‌ساز توافق آمریکا باشد؛ اما می‌تواند نقش مهمی در پایان دادن به جنگ داشته باشد. هر چند نمی‌دانم در شرایط فعلی آرزوی داشتن روزی دلنشین و پر از خاطرات شاد برای عزیزان «ساتاناماتالیستی» به نظر می‌رسد؛ اما به رسم ادب سسال خوبی را برای هر یک از شما آرزو مندم. ممنون از حضورتان و به امید رسیدن به صلحی پایدار در اسرع وقت.